

## نگاهی گذرا به احوال و آثار استاد محمدحسین عطارچیان شکسته‌نویس معاصر

مقدمه :

خط شکسته یکی از ثمرات خط نستعلیق است که در نیمه‌ی دوم قرن یازدهم هجری توسط مرتضی قلیخان شاملو و شفیعا به عرصه وجود آمد. گرچه متناسب با بروز و ظهور هر پدیده‌ی اجتماعی باید به این نکته قایل شویم که میانی و پایه‌های پیدایش خط شکسته آرام آرام از خط نستعلیق الهام گرفت اما در نیمه‌ی دوم قرن یازدهم این دو بزرگوار شیوه‌ای تازه از نظام هندسی خوشنویسانه را برای اهل هنر به ارمغان آوردند. برخی این خط را بهار خط نستعلیق معرفی می‌کنند و برخی چون آن‌ماری شیمل مستشرق خط‌شناس آلمانی به آن خطی عاشقانه لقب داده است.

نقطه پیدایی و عزیمت برای خط شکسته را باید در نسبت با نیای هنری آن یعنی خط نستعلیق مورد توجه قرار داد. احساس نیاز به خطی مانند شکسته قبل از این که دارای یک کاربرد هنری صرف باشد برآورنده‌ی یک نیاز اجتماعی و فرهنگی بوده است. خط نستعلیق با توجه به اینکه نیازمند تأمل، دقت و طمانینه ویژه در نگارش بوده به‌طور طبیعی از کاتب یا خوشنویس وقت زیادی می‌گرفته است بنابراین به‌تدریج ضرورت سرعت در نگارش و ایجاد سرعت در کتابت حروف و کلمات و حل این نیاز فرهنگی خط شکسته نستعلیق به وجود آمد. نقطه اوج این هنر و این شیوه‌ی خوشنویسی با ظهور درویش عبدالمجید طالقانی (۱۱۸۵-۱۱۵۰ هـ ق) بود که دوران رشد و تعالی خود را در پایتخت صفویان طی کرد و در ۳۵ سالگی نیز به‌شکل ناباورانه‌ای به‌سرای باقی شتافت. ارائه شکل و شمایل از حروف و کلمات و نوآوری‌های درویش عبدالمجید طالقانی بزرگترین منبع الهام برای آیندگان بوده، به‌طوری که عمده آثار به جا مانده از بزرگان خط شکسته هنوز در سایه‌ی هنر درویش قرار گرفته است.

بعد از درویش آخرین پدیده‌ی خط شکسته که آثار ارزشمندی را به لحاظ زیباشناختی و ارزش‌های بصری به یادگار گذارده مرحوم سید علی اکبر گلستانه از خوشنویسان اصفهانی بوده که او نیز با الهام از آثار درویش

و در نهایت ارادات و تواضع نسبت به وی میراث‌دار او بوده و در سن ۴۵ سالگی در گذشته است.

### محمدحسین عطارچیان استاد نام‌آور خط شکسته

بررسی آثار درویش و مرحوم گلستانه مورد بحث این نوشتار نمی‌باشد و فقط از باب ورود بر شرح حال شکسته نویسنده معاصر استاد محمدحسین عطارچیان مورد توجه قرار گرفته و خود در عین حال بحث جداگانه‌ای را به شکل مبسوط می‌طلبد.

استاد محمد حسین عطارچیان متولد ۱۳۲۲ و برادر مرحوم غلامعلی عطارچیان است که مجموعه‌داران آثار خط با وی آشنایی دارند. آن مرحوم شاگرد استاد حسن زرین خط بود و با شم خط‌شناسی خود مجموعه‌ای از آثار گرانبهای خوشنویسی را در مجموعه‌ی خود جمع آوری کرده بود. در بین این آثار نمونه‌هایی از قطعات خط شکسته مرحوم درویش عبدالمجید طالقانی وجود داشت که سرمنشأ اصلی برای علاقمندی‌های بعدی محمد حسین عطارچیان به حساب می‌آید.

عطارچیان درس خط را در شیوه‌ی نستعلیق در دوره‌ی زمانی ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ در نزد استاد سیدحسین میرخانی استاد ارشد انجمن خوشنویسان ایران آموخت. وی که از همدوره‌های بزرگانی چون مرحوم رضامافی بوده با توجه به مأنوس بودن با آثار خط درویش آرام آرام پی برد که خط شکسته آن هم در قلم سحرآفرین درویش وجود او را تسخیر کرده است. در سال‌های اولیه‌ی دهه‌ی پنجاه خط شکسته به‌عنوان جوان‌ترین خط اصیل ایرانی جایی در برنامه‌های آموزشی انجمن خوشنویسان نداشت و محمد حسین دریافت بود که پس از فوت مرحوم سید علی گلستانه آخرین پدیده‌ی جدی خط شکسته، این خط دوران ۷۰ ساله فراموشی خود را طی می‌کند. در واقع این حلقه‌ی وصل بریده شده بود. محمد حسین عزم خود را برای احیاء این شیوه به کار می‌گیرد و از سال ۱۳۴۹ با راهنمایی‌های اعظم خط، یعنی بزرگانی چون استاد سیدحسین میرخانی (۱۶۳۱-۶۸۲۱ هـ ش)، استاد سیدحسین میرخانی (۱۳۶۹-۱۲۹۱ هـ ش) و استاد ابراهیم بوذری و

مدیریت وقت انجمن، مرحوم خسرو زعیمی، با تمام وجود خط درویش را برای تمرین و ممارست، نصب العین خود قرار می‌دهد.

عطارچیان خاطرات خود را از آن سیر و سلوک عاشقانه و ارادت زاید الوصف به درویش عبدالمجید طالقانی چنین روایت می‌کند.

«... در لحظات تمرین و نگارش جزء به جزء از خط ایشان دائماً او را یاد می‌کردم و برایش فاتحه می‌خواندم تا این که شبی درویش در خواب پاسخ این همه عشق‌ورزی را داد و خط مرا تشویق و تحسین کرد. در این حال و هوای روحانی بود که در سال -۴۹ ۵۰ خط شکسته‌ام جهش قابل توجهی پیدا کرد...»

در سال ۵۱-۱۳۵۰ مرحوم استاد حسین میرخانی با جدیت از محمد حسین عطارچیان جوان می‌خواهد که تدریس خط شکسته را در انجمن آغاز کند و او به لحاظ تواضع ذاتی از این کار سرباز زده تا این که استاد حسین موضوع شایستگی وی را در حضور خسرو زعیمی برای تدریس خط شکسته طرح می‌نماید و وی تدریس را در سی سالگی آغاز می‌کند. با ورود عطارچیان به عرصه‌ی تدریس، خط شکسته به‌طور جدی در برنامه‌ی آموزشی انجمن قرار می‌گیرد و وی از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۹ این خط را در انجمن آموزش می‌دهد. عطارچیان در سال‌های ۴۵۳۱ و ۱۳۵۶ این توفیق را می‌یابد که در معیت استاد حسین میرخانی برای تعلیم خط شکسته به مشهد عزیمت کند که خاطرات همراهی وی با استاد حسین در کتاب یادنامه‌ی ایشان به شیوایی درج شده است. برخی از آثار شکسته وی در مجله هنر و مردم، در دهه پنجاه به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۵۸ عطارچیان جوان در مجمع عمومی انجمن خوشنویسان به عضویت شورای عالی انتخاب می‌شود این شورا برای اولین بار پس از انقلاب تشکیل شده بود و عطارچیان یکی از پیشنهاددهندگان تشکیل این شورا بوده است.

در سال ۱۳۵۹ نام عطارچیان در ردیف افرادی قرار می‌گیرد که باید برای آنها گواهینامه‌ی استادی صادر شود اما به دلایلی که در حافظه‌ی تاریخی اهل خوشنویسی قرار دارد این کار به تعویق می‌افتد و پس از بیست سال وی این گواهینامه را دریافت می‌دارد و تدریس را به‌شکل خصوصی ادامه می‌دهد.

استاد عطارچیان در سال ۱۳۶۴ اولین نمایشگاه انفرادی خود را برگزار می‌کند که بسیار مورد توجه اهل خط و به ویژه شکسته‌نویسان قرار می‌گیرد. در سال ۱۳۸۰ با تشکیل انجمن خوشنویسان تهران به عرصه‌ی تدریس در انجمن باز می‌گردد. وی در کلاس نه در جایگاه یک استاد بلکه یک فرد متواضع که می‌خواهد تمام دانش و هنر خود را در اختیار هنرجو قرار دهد، ظاهر می‌شود. احترام به هنرجو، ادب درس و ادب نفس از ویژگی‌های بارز عطارچیان است که نگارنده بارها آن را در روزگاری که توفیق حضور در انجمن را داشته از نزدیک دیده است. در حال حاضر وی تدریس خط شکسته را برای هنرجویان مشتاق خط در دوره‌های عالی، ممتاز و فوق ممتاز انجام می‌دهد.

کار ارزشمند عطارچیان نگارش مقدمه‌ای مبسوط بر مرقع ۱۶ قطعه‌ای گلستانه موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی بوده که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. در این مقدمه معرفی ارزشمندی از خط و شخصیت هنری مرحوم گلستانه به عمل آمده و بسیاری از زوایای ناشناخته‌ی این هنرمند گمنام و در عین حال عالی مقام را برای اهل

خط معرفی کرده است. بررسی خفی‌نویسی و جلی‌نویسی گلستانه در خط شکسته برای عرضه‌ی توانمندی یا اقتضای زمان یا ذوق‌آزمایی هنری مواردی می‌باشد که در این مقدمه‌ی تحلیلی مورد توجه استاد بوده است. همچنین ارادت ویژه‌ی گلستانه به درویش، امضاء زدن به شیوه‌ی درویش یا عدم امضاء مواردی دیگری است که توسط استاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

استاد محمدحسین عطارچیان علاوه بر حضور در شورای تشخیص و ارزیابی انجمن خوشنویسان ایران داوری خط شکسته در جشنواره بین المللی خوشنویسی جهان اسلام را نیز در کارنامه‌ی هنری خود دارد. در



سالیان گذشته بیش از ۵۰۰ قطعه در شیوه‌ی خط شکسته به توسط وی به نگارش درآمده که امید است گزیده‌ای از آنها به زیور چاپ آراسته شود. زیرا نبود آثار چاپی و فراگیر یکی از مواردی است که مانع از معرفی شایسته‌ی شیوه خط شکسته استاد به اهل هنر شده که انشاء... با همت نهادهای فرهنگی این خلاء پر شود.

برای عطارچیان که شیوه‌ای متأثر از مرحوم درویش را در دست و قلم خود پرورده و شرایط خاص ترکیب بندهای او را به خوبی در سواد و بیاض درک نموده، آرزوی توفیق روزافزون از خداوند بزرگ داریم. هر چند عطارچیان هنوز حسّ جویندگی خود را با این کلام خاقانی هم‌نوا کرده است:

در این تعلیم شد عمر و هنوز ابجد همی خوانم  
ندانم کی رقوم آموز خواهم شد بدیوانش